

بررسی روایات وارده در فضیلت اهل بیت علیهم السلام در سوره انسان

دکتر صمد عبدالهی عابد*

چکیده

شأن نزول نویسی از زمان‌های دور مرسوم بوده و در آن، اسباب نزول آیات قرآن از معصومان علیهم السلام و صحابه نقل می‌شده است که در فهم آیات تأثیر زیادی داشتند. از جمله مطالبی که در کتاب‌های اسباب النزول و تفاسیر در شأن نزول سوره انسان نوشته‌اند، این است که آیات ابتدایی این سوره، پس از انفاق علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و فضه نازل شده است. اهل سنت و شیعه در اصل مطلب تقریباً اتفاق نظر دارند و تنها برخی ادعا کرده‌اند که این سوره مکی است تا آن را در مورد اهل بیت علیهم السلام ندانند؛ حال آن که وجود اسیر در مکه برای مسلمانان ممکن نبوده است.

اختلاف اساسی در جزئیات داستان انفاق است که برخی روایات، آن را پس از نذر اهل بیت و شفا یافتن حسنین علیهم السلام، در سه شب متوالی می‌دانند که اهل بیت تمام غذای خود را به مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند و خود بدون غذا خوابیدند و تنها با آب افطار کردند و در پاداش آن، مائده آسمانی فرود آمد. این دسته از روایات، سند متصلی ندارند و در دلالت نیز ضعیف‌اند، ولی آنچه علی بن ابراهیم در تفسیر بیان داشته، امری ممکن، دارای سندی موثق و صحیح بوده و به صورت مرسل نقل شده است. این روایت اشاره به نذر اهل بیت علیهم السلام و روزی و انفاق در یک شب و آن هم از حلوانی مخصوصی می‌کند و گویای بیش از آن نیست. اعتقاد ما بر این است که بیش از این، محصول نقل قصه‌گویان و روات غالی بوده که خواسته‌اند با بال و پر دادن به داستان، آن را عجیب جلوه دهند و به خیال خود بر فضیلت اهل بیت علیهم السلام بیفزایند. کلید واژه‌ها: شأن نزول، سوره انسان، اهل بیت علیهم السلام، انفاق، مائده آسمانی.

درآمد

آگاهی از اسباب نزول آیات و همچنین اسباب ورود احادیث در فهم آیات و روایات دخالت مستقیم دارد. و بدین جهت است که از دیرباز علما بدین امر همت گماشتند و کتاب‌های مستقلی در اسباب نزول به رشته تحریر درآورده‌اند که از جمله آنهاست، *اسباب النزول واحدی و اسباب النزول سیوطی*. تفاسیر نقلی و غیر

نقلی نیز به بحث از اسباب نزول پرداخته‌اند و از آن در تبیین پیام آیات بهره برده‌اند که از جمله این تفاسیر نیز می‌توان به *الکشاف زمخشری* و *مجمع‌البیان طبرسی* اشاره کرد.

برخی از اسباب نزول با فضیلت شخص و یا اشخاصی از اصحاب مرتبط است؛ که از جمله آنها آیاتی است که در فضیلت اهل بیت علیهم السلام نازل شده است و نیز از جمله آنهاست: آیات ولایت، نجوی و اطعام. در این نوشتار به بررسی روایات مرتبط با شأن نزول سوره انسان خواهیم پرداخت که عامه و خاصه نقل کرده‌اند و تقریباً به حد اجماع رسیده است و اختلاف در شاخ و برگ‌هایی است که در برخی روایات به اصل قضیه افزوده شده است.

مدنی بودن این سوره نیز از طریق بررسی کتبی که به زمان نزول سوره‌ها پرداخته‌اند، به دست می‌آید و مکی دانستن آن، تنها برای نشان دادن تعصب و دشمنی افراد با اهل بیت علیهم السلام است. پس از اثبات مدنی بودن سوره، به بحث در اصل داستان خواهیم پرداخت که به صورت کلی در کتب تفسیری و اسباب النزول بیان شده‌اند:

۱. برخی تنها به این مطلب پرداخته‌اند که این سوره در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شد که مسکین، یتیم و اسیر را بر خود مقدم داشتند و افطارشان را به آنها دادند.

۲. دسته دوم روایات به این مطلب پرداخته‌اند که اهل بیت علیهم السلام حلوائی که برای افطار خود مهیا کرده بودند، در یک شب، به مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند.

۳. دسته سوم نیز علاوه بر ذکر مطالب فوق، مطالبی را نیز اضافه کرده‌اند که آنها را به نقد خواهیم کشید؛ مطالبی مانند: قرض گرفتن علی علیه السلام از یهودی، نذر حسنین و روزه گرفتشان (با این که بیش از چهار یا پنج سال نداشته‌اند) وقوع اتفاق در سه شب، با آب افطار کردن و...

موارد فوق را با دو نقد سندی و متنی بررسی خواهیم کرد تا آنچه اتفاق افتاده است، به درستی نمایان گردد و چهره اهل بیت علیهم السلام از زیاده‌گویی‌های غالیان و دشمنی‌های معاندان پاک گردد.

سوره انسان، مکی یا مدنی؟!

برخی تمام سوره انسان را مکی دانسته‌اند و گروهی مدنی و بعضی جز آیه *(فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِغْ مِنْهُمْ آيَاتًا أَوْ كُفُورًا)*^۱ همه را مدنی دانسته‌اند. برخی دیگر هم از ابتدای سوره تا آیه ۲۲ را مدنی و بقیه را مکی دانسته‌اند؛ ولی ما تمامی آن را مدنی می‌دانیم. برخی از دلایل مدنی بودن سوره عبارت‌اند از:

۱. طبرسی روایات زیادی از طرق اهل سنت و اهل بیت علیهم السلام گردآورده و تقریباً آنها را مورد اتفاق اهل تفسیر دانسته است. آن‌گاه، برای اثبات مدنی بودن تمام سوره، روایات ترتیب نزول را - که سوره دهر جزء سوره‌های مدنی به شمار رفته - با سندهای معتبر آورده است؛^۲ ولی کسانی مانند عبدالله بن زبیر - که مایل نبودند این فضیلت به اهل بیت علیهم السلام اختصاص یابد - اصرار داشتند که این سوره را کاملاً مکی

۱. سوره انسان، آیه ۲۴.

۲. علوم قرآنی، ص ۸۰ از طبرسی، ج ۱۰، ص ۴۰۶؛ *شواهد التنزیل*، ج ۲، ص ۴۰۹ - ۴۱۰.

معرفی کنند؛^۲ غافل از آن که در مکه اسیری وجود نداشت. مجاهد و قتاده، از تابعان، تصریح کرده‌اند که تمام سوره دهر، مدنی است، ولی دیگران به تفصیل قایل شده‌اند.^۳ حافظ حسکانی می‌گوید:

برخی از نواصب، ادعا کرده‌اند که این سوره، به اتفاق همه مفسران، مکی است.

و در پاسخ آنها گفته است:

چگونه در این مطلب دعوی اجماع دارند، درحالی که بیشتر مفسران عقیده دارند که این سوره در مدینه نازل شده است.

وی سپس نصوص وارده از ائمه را - که درباره ترتیب نزول سوره‌هاست - نقل می‌کند که در تمام آنها تصریح شده که این سوره در مدینه، پس از سوره الرحمن و قبل از سوره طلاق نازل شده است.^۴ نتیجه تحقیق طبرسی در مجمع‌البیان و دیگر مفسران محقق نیز به همین نحو است. مهم آن است که تمام روایات مربوط به ترتیب نزول قرآن، این سوره را مدنی دانسته‌اند و حتی یک روایت هم بر خلاف این تصریح، نظر نداده است.^۵

سید شبر نیز گفته که مکی دانستن این سوره، در واقع، تکذیب نقل صحیح است.^۶ سیوطی نیز از بیهقی در کتاب *دلائل النبوة*، با سندش از عکرمه و حسین بن ابی‌الحسن، روایت کرده که سور مکی و مدنی را معرفی نموده است و سوره انسان در میان سور مدنی و بعد از سوره رحمن و قبل از سوره طلاق قرار دارد.^۷ وی همین مطلب را از ابن ضریس در کتاب *فضائل القرآن*، با سندش از ابن عباس نیز نقل کرده است.^۸

صاحب *المیزان* نیز از *الدرالمشور* از ابن ضریس و ابن مردویه و بیهقی از ابن عباس روایت کرده است که سوره انسان در مدینه نازل شده و ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده که آیه^۹ در شأن علی علیه السلام و فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله نازل شده است. علامه طباطبایی اضافه کرده است که با توجه به سیاق آیات قبل و بعد، همه سوره مدنی است.^{۱۰}

۲. سیاق آیات سوره دهر، بویژه آیه *(يُؤْفُونَ بِالنَّذْرِ)* و آیه *(يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ)* سیاق یک داستان واقعی است که در خارج اتفاق افتاده است و ذکر اسیر در میانه کسانی که به دست آن ابرار، اطعام شده‌اند،

۳. *الدرالمشور*، ج ۸، ص ۳۶۵.

۴. *علوم قرآنی*، ص ۸۰.

۵. *شواهد التنزیل*، ج ۲، ص ۴۰۹.

۶. *آموزش علوم قرآن*، ج ۱، ص ۱۸۵ از *مجمع البیان*، ج ۱۰، ص ۴۰۵.

۷. *تفسیر القرآن الکریم*، ص ۵۲۲.

۸. *الاتقان فی علوم القرآن*، ج ۱، ص ۴۹ - ۵۰.

۹. همان، ۱، ص ۵۰ - ۵۱.

۱۰. *(يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ)*.

۱۱. *المیزان*، ج ۲، ص ۲۶۳.

بهترین شاهد است بر این که این آیات در مدینه نازل شده است؛ چون مسلمانان در مکه، قدرتی نداشتند تا اسیر داشته باشند.^{۱۲}

روایات شأن نزول

منقولات روایی در خصوص این سوره به صورت‌های مختلفی ذکر شده‌اند. خاصه و عامه روایت کرده‌اند که این آیات در خصوص علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام نازل شده و آنها مسکین، یتیم و اسیر را بر خود در افطارشان مقدم داشتند و با هیچ طعامی افطار نکردند. و خداوند، با این آیات، به نیکی از آنان یاد کرد و این سوره را در مورد آنان نازل کرد. این، دلیل بر آن است که این سوره مدنی است.^{۱۳}

روایات بخشش اهل بیت علیهم السلام در یک روز

درباره کیفیت بخشش و جنس افطار بخشیده شده، روایات متفاوتی نقل شده است.

نقل یکم

برخی از روایات حاکی از آن‌اند که علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام حلوائی خود را به مسکین، یتیم و اسیر بخشیدند، ولی اشاره به سه روز پی در پی نمی‌کنند.

از جمله این روایات، نقلی است که علی ابن ابراهیم قمی، از پدرش، از عبدالله بن میمون قذاح، از ابی عبدالله علیه السلام آورده است که فرمود:

پیش حضرت زهر علیه السلام مقداری جو بود که از آن «عصیده» (نوعی حلوا و شیرینی سفره که در فارسی به آن کاجی می‌گویند) درست کرد و وقتی مهیا شد، آن را در سفره افطار نهاد که در آن لحظه مسکینی آمد و گفت: خدا شما را رحمت کند! از آنچه خدا به شما روزی داده است، به ما اطعام کنید. علی علیه السلام برخاست و یک سوم آن را به او بخشید. مدتی نگذشت که یتیمی آمد و گفت: خدا شما را رحمت کند! از آنچه خدا به شما روزی داده است، به ما اطعام کنید. علی علیه السلام برخاست و یک سوم دیگر آن را به او بخشید. لحظه‌ای نگذشت که اسیری آمد و گفت: خدا شما را رحمت کند! ما را از آنچه خدا روزیتان کرده است، اطعام کنید. علی علیه السلام برخاست و یک سوم باقی مانده را به اسیر داد. و چیزی از آن عصیده (حلوا) نچشیدند. سپس خداوند در مورد ایشان این آیه را تا «وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا» درباره امیرالمؤمنین علیه السلام نازل کرد و آن در مورد هر مؤمنی که مثل آن را انجام دهد، جاری است.^{۱۴}

نقد و بررسی روایت

قدم اول در بررسی صحت یا سقم هر روایتی، بررسی سندی آن است. در روایت مذکور، هر سه راوی توثیق شده‌اند. علی بن ابراهیم را نجاشی توثیق کرده^{۱۵} و شیخ طوسی او را از اصحاب امام هادی علیه السلام

۱۲. المیزان، ج ۲۰، ص ۴۶۸ - ۴۶۹.

۱۳. التبیان، ج ۲، ص ۷۲۵؛ الدر المنثور، ج ۱۵، ص ۱۵۴؛ اسباب النزول، ص ۳۸۴.

۱۴. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۲۲ - ۴۲۳.

۱۵. رجال النجاشی، ج ۲، ص ۸۷ - ۸۶.

برشمرده است.^{۱۶} نیز پدرش ابراهیم بن هاشم را نجاشی و شیخ از شاگردان یونس بن عبدالرحمن و از اصحاب امام رضا علیه السلام برشمرده‌اند.^{۱۷} علامه حلی نیز درباره وی می‌گوید:

من به قول کسی از اصحابمان در قدح و یا تعدیل او دست نیافتم و روایات ایشان زیاد است و ارجح، قبول روایاتش است.^{۱۸}

دلایلی بر توثیق ایشان ذکر شده که عبارت‌اند از:

۱. پدرش علی بن ابراهیم در تفسیر خود از او نقل کرده و در اول کتابش ملتزم شده که آنچه می‌آورد، از طریق ثقات به او رسیده است.^{۱۹}

۲. سید بن طاووس او را در میان روایتی که از آنها نقل می‌کند، قرار داده و گفته که همه روایات این حدیث ثقه‌اند.^{۲۰}

۳. او اولین کسی است که حدیث کوفیان را در قم منتشر ساخت و قمیان به روایاتش اعتماد کردند؛ درحالی که در میانشان افرادی بودند که در پذیرش حدیث سخت‌گیر بودند. لذا اگر در او شائبه‌ای از ضعف بود، از او اخذ روایت نمی‌کردند و روایتش را نمی‌پذیرفتند.^{۲۱}

۴. ابراهیم بن هاشم در اسناد کامل الزیارات قرار دارد و ابن قولویه شهادت داده است که همه کسانی که در سندش تا به امام قرار گرفته‌اند، موثق‌اند.^{۲۲}

نفر بعدی در سند علی بن ابراهیم، عبدالله بن میمون قدامی است که شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق علیه السلام دانسته^{۲۳} و نجاشی توثیقش کرده است.^{۲۴} پس همه افراد این روایت ثقه‌اند. از لحاظ متن نیز باید به چند مطلب اشاره شود:

۱. نزد حضرت زهرا علیها السلام مقداری جو بود؛ نه این که علی علیه السلام از همسایه یهودی خود قرض کند و...؛

۲. این روایت دلالت بر نذر و روزه حسنین نمی‌کند؛

۳. حضرت زهرا علیها السلام از آن نوعی حلوا درست کرد، نه این که نان پخت؛ یعنی ممکن است اهل بیت علیهم السلام حلوا را - که بهترین غذایشان بوده - در سه نوبت، ولی در یک روز به مسکین و یتیم و اسیر اطعام کرده باشند و خود، نان خالی بخورند. لذا در ادامه روایت آمده است که «چیزی از آن حلوا نچشیدند» و دلیلی بر این نیست که هیچ چیز نخورده باشند.

۴. اصل شأن نزول آیه در مورد انفاق اهل بیت علیهم السلام بود، ولی آن درباره هر مؤمنی که مثل آن را انجام دهد، جاری است.

۱۶. رجال الطوسی، ص ۲۸۹.

۱۷. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۸۹؛ النهرست (طوسی) ص ۳۵۲.

۱۸. خلاصة الاقوال، ج ۴۹.

۱۹. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷.

۲۰. فلاح السائل، ص ۲۸۴.

۲۱. معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۷ - ۳۱۸؛ خلاصة الاقوال، ج ۴۹، پاورقی قیومی.

۲۲. کامل الزیارات، ص ۳۷.

۲۳. رجال الطوسی، ص ۲۳۱.

۲۴. رجال النجاشی، ج ۲، ص ۸.

نقل دوم

فرات کوفی از محمد بن احمد بن علی همدانی، از جعفر بن محمد علوی، از محمد بن محمد بن عبدالله بن عبدالله، از کلبی از ابی صالح، از ابن عباس نقل می کند که: **﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّامَّ عَلَى حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾**^{۲۵} درباره علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شد که سه قرص نان داشتند و آنها را به مسکین، یتیم و اسیر اطعام کردند و خود گرسنه خوابیدند.^{۲۶}

نقد و بررسی روایت

از لحاظ سندی، همدانی و محمد بن محمد بن محمد مجهول اند و علوی نیز از جانب شیخ طوسی، قلیل الروایه معرفی شده که تلکبری از او نقل می کند.^{۲۷} بقیه راویان از عامه اند. و اما خود فرات از مشایخ علی بن بابویه است و صدوق زیاد از او روایت کرده است. علامه مامقانی می گوید:

ظاهر روایت شیخ در *وسائل الشیمة* و *فاضل مجلسی در بحار الانوار* و صدوق و دیگران از ایشان دلیل بر اعتمادشان بر فرات کوفی است و مجلسی در *بحار الانوار* گفته است که هر چند اصحاب، متعرض مدح و قدحی نسبت به ایشان نشده اند، لکن برای موافقت احادیثش با آنچه از احادیث معتبر به ما رسیده است و همچنین به دلیل حسن ضبط ایشان در نقل روایات، ممکن است نسبت به ایشان توثیق و حسن ظن حاصل گردد.

علامه مامقانی در ادامه می گوید:

کمترین چیزی که می توان از موقعیت ایشان استفاده کرد، این است که او در درجات عالی حسن قرار دارد؛ زیرا: ۱. از مشایخ علی بن بابویه است؛ ۲. صدوق، شیخ حر و مجلسی از ایشان روایت کرده اند.^{۲۸}

از این روایت نیز مطالب زیر به دست می آید:

۱. در این روایت نیز به قرض و ... اشاره نشده است.
۲. اشاره ای به انفاق در سه روز نشده است.
۳. سه قرص نان به جای حلوا عنوان شده است؛ ولی به جهت قوت سند روایت علی بن ابراهیم، انفاق حلوا ترجیح می یابد.
۴. این روایت، برخلاف روایت علی بن ابراهیم، اشاره دارد که گرسنه خوابیدند، ولی باز به جهت ضعف سند این روایت، گرسنه خوابیدنشان ثابت نمی شود. تنها چیزی که ثابت می شود، نخوردن از آن طعام انفاقی است که بنا بر روایت علی بن ابراهیم، حلوا بود.
۵. این روایت نیز اشاره ای به نذرا و روزه حسنین ندارد.

۲۵. سوره انسان، آیه ۸

۲۶. تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۲۸ - ۵۲۹.

۲۷. رجال الطوسی، ص ۴۱۹.

۲۸. تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳ از ابواب فاء.

نقل سوم

سمرقندی نیز می‌گوید که این آیه در شأن علی بن ابی‌طالب علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شده که روزه بودند و سائلی پیش آمد و در حالی که تنها غذای آن روزشان را داشتند، مقداری از آن را به سائل دادند و سپس یتیمی آمد و مقداری از غذا را نیز به او دادند و سپس اسیری آمد و باقی غذا را نیز به او بخشیدند و خداوند مدحشان کرد و این آیه را فرستاد.

سمرقندی، نازل شدن این آیه را در مورد مردی از انصار به قول ضعیف نسبت داده است.^{۲۹}

نقد و بررسی روایت

این روایت، به صورت مرسل نقل شده است؛ ولی با توجه به این که منافاتی با روایت مسند و صحیح علی بن ابراهیم ندارد، مقبول واقع می‌شود.

فرات کوفی، در جایی دیگر، از جعفر بن محمد فزاری، به صورت معنعن، از ابن عباس نقل می‌کند که درباره آیه **(وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا)** گفت:

این آیه درباره علی بن ابی‌طالب علیه السلام و همسرش فاطمه علیها السلام و کنیزشان نازل شد؛ بدین گونه که آنها پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات کردند و حضرت به هر کدام از آنها صاعی از طعام عطا کرد. وقتی به منزل رسیدند، سائلی آمد و درخواست کمک کرد و علی علیه السلام غذای خود را به او بخشید. سپس یتیمی از همسایگان پیش ایشان آمد و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله غذای خود را به او بخشید و علی علیه السلام به او گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گوید که خداوند فرموده است: «قسم به عزت و جلالم! کسی مانع گریه یتیم در این دنیا نمی‌شود؛ جز این‌که خداوند او را در بهشت در جایی که بخواهد مسکن دهد». سپس اسیری آمد و طعام طلبید و علی علیه السلام به سودا خادمشان دستور داد و او نیز غذای خود را بخشید و این آیه **(وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا)** انما نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاء ولا شكورا نازل شد.^{۳۰}

نقد و بررسی روایت

نجاشی، فزاری را ضعیف در حدیث دانسته است.^{۳۱} شیخ طوسی نیز، با این که توثیقش کرده، ولی متذکر شده که برخی او را تضعیف کرده‌اند و در مولد قائم علیه السلام چیزهای عجیبی نقل کرده است.^{۳۲}

همچنین، این روایت از لحاظ متن متفاوت از روایات سابق است و در این روایت، پیامبر صلی الله علیه و آله به هر کدام از ایشان صاعی داده است. دوم، این که در این روایت، علی علیه السلام سهم خود را به سائل بخشیدند و فاطمه علیها السلام به یکی از یتیمان همسایه بخشید. سپس وقتی اسیری آمد، علی علیه السلام دستور داد که خادمشان، سهم خود را به اسیر ببخشد. بعید به نظر می‌رسد که علی علیه السلام دستور دهد خادمشان سهم خودش را ببخشد.

۲۹. تفسیر السمرقندی، ج ۳، ص ۵۲۶.

۳۰. تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۲۸.

۳۱. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۳۰۳.

۳۲. رجال الطوسی، ص ۴۱۸.

نقل چهارم

واحدی نیز از عطاء، از ابن عباس نقل می‌کند که علی علیه السلام خودش را اجیر کرد تا یک شب نخلستانی را در مقابل مقداری جو آبیاری کند. صبح جو را گرفت و از آن چیزی به نام «حریره» (غذایی که با آرد، شیر و روغن تهیه می‌شود) درست کردند تا بخورند. پس از پختن، مسکینی آمد و غذا را به او دادند و سپس یک سوم دیگر را مهیا کردند و وقتی پخته شد، یتیمی آمد و درخواست غذا کرد و آن را نیز به او اطعام کردند. سپس با یک سوم دیگر غذا تهیه کرد. این بار، اسیری از مشرکان آمد و درخواست غذا کرد و آن را نیز به او اطعام کردند و خود، روزشان را با گرسنگی سپری کردند.^{۳۳} اربلی، همین مطلب را از واحدی نقل کرده، در ادامه می‌گوید:

خداوند، قصد نیک و نیات راستین آنها را دانست و در مورد ایشان آیاتی نازل کرد... و در عوض بخششان، باغ‌ها و خور قرار داد و فرمود: **(وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا).**^{۳۴}

نقد و بررسی روایت

این روایت نیز، هر چند مرسل است، ولی با آنچه علی بن ابراهیم به صورت صحیح و مسند نقل کرده بود، تطبیق می‌کند.

نتیجه، این که این دسته روایات، گویای اطعام در یک روز هستند و اصل مطلب را علی بن ابراهیم مسنداً گفته که مورد قبول ماست ولی آنچه برخی به صورت مرسل و یا از طریق ضعیف و مجهول نقل کرده‌اند که از همسایه یهودی قرض گرفت... و، یا حسنین نیز نذر کردند و روزه گرفتند و اعطاء کردند مورد قبول ما نیستند؛ چرا که قرض از یهودی برای شخصی مثل علی علیه السلام شایسته نیست و وجود یهودیان در داخل مدینه ثابت نیست. دوم این که حسنین در آن ایام بچه ۵ - ۶ ساله بودند و لذا نذر و روزه و سپس گرسنه گذاشتن ایشان جایز نیست. سوم این که اهل بیت علیهم السلام از حلوای مخصوص نجشیدند؛ نه این که اصلاً چیزی نخورند.

روایات بخشش اهل بیت علیهم السلام در سه روز

در برخی روایات آمده است که بخشش در سه روز بوده است.

نقل یکم

روایت صدوق، از محمد بن ابراهیم، بن اسحاق، از ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی، از محمد بن زکریا، از شعیب بن واقد، از قاسم بن بهرام، از لیث، از مجاهد، از ابن عباس و همچنین محمد بن ابراهیم بن اسحاق، از ابواحمد عبدالعزیز بن یحیی جلودی، از حسن بن مهران، از مسلمه بن خالد، از صادق علیه السلام، از پدرش در تفسیر آیه **(يُؤْتُونَ بِالنَّذْرِ)** که فرمود:

۳۳. الوسيط فی تفسیر القرآن المجید، ج ۴، ص ۴۰۰ - ۴۰۱.

۳۴. کشف الغمة، ج ۱، ص ۱۶۸ - ۱۶۹.

حسن و حسین علیهما السلام - که کودک بودند - بیمار شدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با دو مرد به عیادت آنها آمد. یکی از آنها گفت: ای ابوالحسن، اگر برای دو فرزندت نذر می‌کردی، خدا آنها را شفا می‌داد. فرمود: سه روز روزه می‌دارم و فاطمه علیها السلام هم چنین گفت و حسن و حسین علیهما السلام هم گفتند: ما هم سه روز، روزه می‌داریم و کنیزشان فضه هم چنین نذری کرد. خدا جامه عافیت به آنها نمود. صبح، نیت روزه داشتند و طعامی نداشتند. علی علیه السلام نزد همسایه یهودی خود شمعون - که شغل پشم‌ریسی داشت - رفت و فرمود: می‌توانی مقداری پشم به من بدهی تا دختر محمد صلی الله علیه و آله برایت بریسد و سه صاع جو در عوض آن بدهی؟ گفت: آری. مقداری پشم با جو به آن حضرت داد و او به فاطمه علیها السلام خبر داد و قبول کرد و اطاعت نمود و یک سوم پشم را رشت و یک صاع جو را آسیا کرد و خمیر نمود و پنج قرص نان از آن پخت برای هر تن، قرصی.

علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر صلی الله علیه و آله خواند و به منزل آمد و سفره گسترده و نشستند تا افطار کنند. نخستین لقمه را که علی علیه السلام برداشت، مسکینی بر در خانه ایستاد و گفت: درود بر شما ای اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله! ... مرا از آنچه می‌خورید، اطعام کنید. خدا از طعام بهشت به شما بخوراند! علی علیه السلام لقمه را از دست نهاد.

و هرچه در سفره بود، برداشت و به مسکین داد و گرسنه خوابیدند و جز آب نجشیدند و سپس ثلث دوم پشم را برداشت و رشت و صاعی از جو برگرفت و آسیا کرد و خمیر نمود و پخت و پنج قرص نان فراهم کرد و برای هر سری قرصی و علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر صلی الله علیه و آله خواند و به منزل آمد و چون سفره گسترده و پنج تن نشستند و علی علیه السلام اول لقمه را برگرفت، یتیم مسلمانی بر در خانه ایستاد و گفت: درود بر شما خانواده محمد صلی الله علیه و آله! من یتیم مسلمانم. از آنچه می‌خورید، به من بدهید! خدا به شما از خوراک بهشت عطا کند! علی علیه السلام لقمه از دست نهاد.

سپس هرچه در سفره بود به آن یتیم داد. قسمت سوم پشم را رشت و آخرین صاع را آسیاب کرد و خمیر نمود و پنج قرص دیگر برای هر سری قرصی از آن پخت. علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر صلی الله علیه و آله خواند و به منزل آمد و سفره گسترده و اولین لقمه را که علی علیه السلام برگرفت، اسیری از مشرکان بر در خانه صدا زد: ای خاندان محمد! ما را اسیر کنید و در بند نمایید و خوراک ندهید! علی علیه السلام لقمه را از دست بر زمین نهاد.

و هرچه را در سفره بود، به اسیر دادند و همه گرسنه خوابیدند و صبح را روزه نبودند و چیزی خوردنی هم نداشتند. شعیب در حدیث خود گوید: علی علیه السلام، حسن و حسین را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد و چون جوجه از گرسنگی می‌لرزیدند. چون پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به این حال دید، فرمود: ای ابوالحسن، به سختی مرا بد آید، آنچه بر شما به نظر آید. همه نزد فاطمه علیها السلام آمدند و او در محراب بود، و از گرسنگی شکمش به پشتش چسبیده بود و چشمانش به گودی رفته بود. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دید، در آغوشش کشید و گفت: به خدا استغاثه کنم که شما سه روز به این حال هستید.

جبریل آمد و گفت: ای محمد، بگیر آنچه را خدا برای خاندانت آماده کرده است. فرمود: چه چیزی را بگیرم؟ گفت: ﴿هَلْ آتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ... إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا...﴾.

حسن بن مهران در حدیث خود گفته است: پیامبر صلی الله علیه و آله از جا جست و به منزل فاطمه علیها السلام رفت و فکاری آنها را دید و آنها را جمع کرد و گریست و فرمود: شما از سه روز در این وضع بودید و

من متوجه نبودم. جبریل این آیات (هَلْ آتَى...) را آورد. راستی خوش کرداران از جامی نوشند که ممزوج از کافور است؛ از چشمه‌هایی که بندگان خدا از آن نوشند و به خوبی آن را به جوش آرند، فرمود: این، چشمه‌ای است در خانه پیامبر ﷺ که روان شود تا خانه انبیا و مؤمنان وفا کنند به نذر مقصود علی و فاطمه و حسن و حسین و کنیز آنهاست و بترسند از روزی که شر آن پیران است (عبوس و زشت چهره) و بخوراند خوراک را با فرط نیاز بدان؛ یعنی با اشتهای به آن. آن را به مسکین و یتیم و اسیر ایتار کنند و چون به آنها بخوراند، بگویند: شما را برای خدا اطعام کنیم، (و از شما پاداش و قدردانی نخواهیم). گفت: به خدا! این جمله را برای آنها به زبان نیاوردند، ولی در دل گفتند و خدا از آن خبر داد. گویند: عوض از شما نخواهیم و قدردانی به ذکر ثنا توقع نداریم؛ تنها برای خدا به شما اطعام کردیم و ثواب او را خواهیم. خدای تعالی فرمود: آنها را خدا از شر این روز بر کنار داشت و از خرمی چهره و شادی دل برخوردار کرد؛ برای شکیبایی آنان عوض بهشت داد که در آن ساکن شوند و فرش خرید که بگسترانند و بیوشند و بر تخت‌ها تکیه کنند؛ نه آفتاب سوزانی در آن بینند و نه سرما زمهریری...^{۲۵}

نقد و بررسی روایت

الف. بررسی سند حدیث

در سلسله سند این روایت افراد زیر قرار دارند که صدوق از آنها نقل کرده است:

۱. محمد بن ابراهیم بن اسحاق [طالقانی]؛ ملا وحید گفته که صدوق زیاد از ایشان نقل کرده و بر او ترضی و ترحم کرده است که مامقانی از آن، حُسن حال، بلکه جلالت شأنش را استفاده کرده و گفته است که احتمالاً از مشایخ صدوق است. در ادامه گفته است که مفید نیز در طریق صدوق به احمد بن محمد بن سعید می‌گوید که او از حسین بن روح روایت دارد که دلالت بر این می‌کند که ایشان پیش او مقبول بوده است. مجلسی اول نیز او را از مشایخ صدوق دانسته است. در نهایت، مامقانی او را ثقه دانسته و حدیثش را صحیح تلقی کرده است و در توجیه آن گفته است که مشایخ اجازه نیازی به تنصیب بر توثیق ندارند؛ علاوه بر این که صدوق بر او ترضی کرده است. با این وجود، نجاشی و شیخ یادی از ایشان نکرده‌اند.^{۲۶}

۲. عبدالعزیز بن یحیی جلودی بصری؛ شیخ طوسی او را در میان کسانی که مستقیماً از امام علی علیه السلام روایت نکرده‌اند، آورده، توفیقش می‌کند.^{۲۷} و او را امامی مذهب و دارای کتبی در فقه و ... دانسته است.^{۲۸} نجاشی نیز او را از اصحاب ابی جعفر (امام جواد علیه السلام) دانسته است.^{۲۹}

۳. محمد بن زکریا؛ شیخ، محمد بن زکریا بن جندب بجلی جریری کوفی را از اصحاب امام صادق علیه السلام برشمرده است،^{۳۰} ولی توثیقی برای ایشان ذکر نشده و مجهول است.

۲۵. الامالی (صدوق)، ص ۲۳۲ - ۲۳۹؛ با استفاده از ترجمه کمره‌ای، ص ۲۵۶ - ۲۶۱؛ بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۳۷ - ۲۴۱.

۲۶. تنقیح المقال، ج ۳، ص ۵۵ از قسمت دوم کتاب.

۲۷. رجال الطوسی، ص ۴۳۵.

۲۸. النهرست (طوسی) ص ۱۹۱.

۲۹. رجال النجاشی، ج ۱، ص ۵۴.

۴. شعیب بن واقد؛ در کتب رجال، یادی از وی نشده، ولی در طریق صدوق در باب ذکر مناهای النبى ﷺ در الفقیه و الامالی واقع شده است. مامقانی قرار گرفتن ایشان در طریق الفقیه را دلیل بر اعتماد صدوق بر او دانسته است.^{۲۱}

۵. قاسم بن بهرام (ابوهمدان قاضی هیت)؛ شیخ او را از اصحاب صادق ﷺ برشمرده^{۲۲} و ظاهراً امامی است؛ جز این که مجهول است.^{۲۳}

۶. لیث؛ پنج فرد به نام لیث در کتب رجال ذکر شده است که اگر مقصود، «لیث بن بختری مرادی» باشد، مقبول است؛ هر چند مذهبش خوب نیست، ولی حدیثش مقبول است، چون امام صادق ﷺ او را از بهشتیان دانسته و ابن غضایری گفته است که طعن در دینش، موجب طعن در حدیثش نمی‌شود.^{۲۴} بقیه توفیق نشده‌اند. پس به جهت این که معلوم نیست مقصود، کدام «لیث» است، مجهول می‌گردد و مشترک محسوب می‌شود.

۷. مجاهد؛ او از رجال عامه است و کتب رجال شیعه متذکر او نشده‌اند.

۸. ابن عباس؛ شیخ طوسی، ایشان را از راویان پیامبر ﷺ و از اصحاب علی ﷺ برشمرده است.^{۲۵}

۹. حسن بن مهران؛ در کتب شیعه یادی از ایشان نشده است. در میان اهل سنت نیز، تنها ابن ابی حاتم در الجرح و التمدیل از او نام برده که از فرقد، صاحب پیامبر ﷺ روایت می‌کند و محمد بن سلام از ایشان روایت می‌کند و این مطلب را از پدرش شنیده است. در هر حال، وی مجهول است.^{۲۶}

۱۰. مسلمة بن خالد؛ شیخ طوسی، مسلم بن خالد مکی مزنجی را از اصحاب امام صادق ﷺ بر شمرده است؛ نه مسلمة بن خالد را.^{۲۷} در دیگر کتب رجال شیعه نیز یادی از وی نشده است. در اهل سنت نیز ابن ابی حاتم او را مجهول دانسته که از ابا امامة بن سهل استماع حدیث کرده است و ابن غسیل از او روایت کرده است.^{۲۸}

نتیجه، این که بیشتر رجال هر دو طریق این روایت یا مجهول و یا ضعیف و یا از عامه‌اند و لذا نمی‌توان بر سند آن صحیح گذاشت.

ب. بررسی متن حدیث

در متن این حدیث، مواردی است که در آنها اضطراب و یا زبان حال و یا چیزی شبیه داستان‌گویی به نظر می‌رسد. برخی از آنها را یاد آور می‌شویم:

۴۰. رجال الطوسی، ص ۲۸۲.

۴۱. تنفیح المقال، ج ۲، ص ۸۸.

۴۲. رجال الطوسی، ص ۲۷۱.

۴۳. تنفیح المقال، ج ۲، ص ۱۸، دوم.

۴۴. خلاصة الاقوال، ص ۲۳۴ - ۲۳۵.

۴۵. رجال الطوسی، ص ۲۷۱.

۴۶. الجرح و التمدیل، ج ۳، ص ۴۲.

۴۷. رجال الطوسی، ص ۳۰۳.

۴۸. الجرح و التمدیل، ج ۸، ص ۳۰۴.

۱. اضطراب در نقل روایت؛ در این روایت یکی از عیادت کنندگان پیشنهاد نذر کرد؛ ولی در روایات صفحات بعدی، خود رسول اکرم ﷺ پیشنهاد نذر داده است.

۲. تعبیر به «همسایه»، به احتمال زیاد، صحیح نیست؛ چون در خود مدینه مسلمین زندگی می کردند و یهود جداگانه در خیبر و جاهای دیگر در خارج از مدینه زندگی می کردند. بنابراین، علی ﷺ همسایه یهودی نداشته است.

۳. مشاعره علی ﷺ و فاطمه ﷺ - که در متن عربی روایت نقل شده - در آن موقعیت - که سائل در پشت در ایستاده است - منطقی به نظر نمی رسد. از این رو، ممکن است آن را به عنوان زبان حال، آیندگان و سراینندگان اضافه کرده باشند. سرودن شعر علی و فاطمه و استفاده از تعابیری چون «مانند جوچه از گرسنگی می لرزیدند» و «یا «از گرسنگی شکمش به پشتش چسبیده بود»، بیشتر برای برانگیختن عواطف انسانی عنوان شده است. به علاوه، با سه روز گرسنگی، آدم، بی حال می شود و بر خود می لرزد، ولی شکمش به پشت نمی چسبد.

۴. نذر و روزه بر حسنین - که در آن روز بیش از چهار یا پنج سال نداشته اند - معقول به نظر نمی رسد، چون پدر آن یتیم در اُحد شهید شده بود که در سال سه یا چهار هجری بوده است و حسنین در دو و سه هجری متولد شده اند.^{۴۹} و نذر روزه بر بچه چهار یا پنج ساله معقول نیست. به علاوه، این واقعه سال ها قبل از رحلت پیامبر ﷺ واقع شده بود و پیامبر ﷺ در سال دهم هجری وفات کرده اند.^{۵۰} از این رو، حسنین نمی توانند در این حادثه بیش از چهار یا پنج سال داشته باشند و نذر روزه بر چنین بچه ای معقول نیست.

۵. مراجعه علی ﷺ به یهودی، با آن متاعت نفسی که ایشان داشت، صحیح به نظر نمی رسد.

نقل دوم

مشابه روایت مذکور را ابن شهر آشوب از ابوصالح، مجاهد، ضحاک، حسن، عطاء، قتاده، لیث، ابن عباس، ابن مسعود، ابن جبیر، عمرو بن شعیب، حسن بن مهران، نقاش، قشیری، ثعلبی و واحدی در تفاسیرشان و صاحب اسباب النزول و خطیب مکی در الأربعین و ابوبکر شیرازی در نزول القرآن فی امیر المؤمنین ﷺ و اشنهی در اعتقاد اهل السنة و ابوبکر محمد بن احمد بن فضل نحوی در العروس فی الزهد آورده است. او در ادامه می گوید:

اهل بیت علیهم السلام از اصبع بن نباته و دیگران از امام باقر ﷺ در مورد «هَلْ آتَى عَلَى الْإِنْسَانِ...» نقل کرده اند که مشابه نقل صدوق در الامالی است و در این روایت نیز علی ﷺ، فاطمه، فضه و حسنین ﷺ نذر کرده اند و علی ﷺ از شمعون یهودی جو گرفته است و علی ﷺ و فاطمه ﷺ در سه نوبت مشاعره کرده اند و اتفاق در سه روز اتفاق افتاده است.

در ادامه روایت ابن شهر آشوب آمده است:

۴۹. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳ و ۵۳۶؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۳، ص ۱۶۷ و ح ۱۴، ص ۱۱۵.

۵۰. الکافی، ج ۱، ص ۵۱۰.

پیامبر ﷺ آنها را گرسنه دید و جبریل با یک سینی طلاکاری شده و با دُر و یاقوت مزین شده آمد که در آن، غذاها و نوشیدنی‌هایی بود که بوی مُشک و کافور از آن به مشام می‌رسید. اهل بیت ﷺ از آن خوردند، ولی لقمه‌ای از آن کاسته نشد. امام حسین ﷺ با لقمه‌ای از منزل خارج و یک زن یهودی گفت: ای خاندان گرسنه! این غذا از کجاست؟ مرا نیز از آن بده. امام حسین ﷺ دستش را دراز کرد تا به او دهد که جبریل آمد و از دستش گرفته، سینی را به آسمان برد. پس پیامبر ﷺ فرمود: اگر حسین ﷺ نمی‌خواست آن تکه از غذا را به همسایه بدهد، این سینی بیش اهل بیت می‌ماند تا از آن تا روز قیامت بخورند و چیزی از آن کاسته نشود. و آیه (يُؤْفُونَ بِالَّذِينَ نَزَّلَ فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ) نازل شد و صدقه در شب ۲۵ ذی‌حجه بود و (هَلْ أَتَى) در روز ۲۵ همان ماه نازل شد.^{۵۱}

نقد و بررسی روایت

الف. بررسی سند حدیث

در قسمت اول، همه راویان از عامه‌اند و حدیث، سند کامل ندارد و به صورت مرسل نقل شده است. قسمت دوم را نیز اصبع بن نباته از اهل بیت ﷺ و دیگران از امام باقر ﷺ نقل کرده‌اند، که باز به صورت مرسل نقل شده است.

شیخ، اصبع بن نباته را از راویان امام علی ﷺ و امام حسن ﷺ برشمرده است^{۵۲} و در الفهرست، ایشان را از خواص علی ﷺ برشمرده، بر او ترحم کرده است که عهدنامه مالک اشتر و وصیت علی ﷺ به محمد حنفیه را روایت کرده است.^{۵۳} و مامقانی با تعبیر ضبط از او یاد کرده است؛ ولی با این وجود، به جهت مرسل بودن، ضعیف است.

ب. بررسی متن حدیث

قسمت اول روایت، در روایت پیشین نقد شد. درباره قسمت دوم روایت باید گفت: اولاً، اجمالاً می‌توان پذیرفت که در عوض بخشش خاندان نبوت، طعامی آسمانی برای آن خاندان آمده است، ولی این که سینی از طلا و یاقوت و امثال آن باشد، به احتمال زیاد افزوده قصه‌گوها و راویان قصه پرداز بوده باشد. ثانیاً، معقول به نظر می‌رسد که چون امام حسین ﷺ خواست از آن طعام به زن یهودی بدهد، سینی طعام به عالم بالا رفت.

ثالثاً، اضطراب در روایت، در اینجا نیز مشهود است و آن، این که در روایات قبلی داشتیم که وقتی پیامبر ﷺ، اهل بیت ﷺ را در حال گرسنگی دید، جبریل سوره «هل اتی» را نازل کرد؛ ولی در این روایت، جبریل طعام آورده است.

۵۱. سوره انسان، آیه ۷.

۵۲. مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۲۲۴ - ۲۲۶.

۵۳. رجال الطوسی، ص ۵۷ و ۹۳.

۵۴. الفهرست (طوسی)، ص ۸۵ - ۸۶.

نقل سوم

قطب راوندی نیز همین جریان را به همان صورت *الأمالی* صدوق ذکر کرده است و در آخر افزوده است که وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از حال آنها مطلع شد، با علی علیه السلام داخل باغ مقداد شد؛ در حالی که در نخل هایش خرمایی باقی نمانده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: این سبد را بگیر و به سوی آن درخت خرما برو و بگو که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: به حق خدا، از تو می خواهیم که ما را از میوهات اطعام کنی! علی علیه السلام چنان کرد و میوه ها را پیش رسول الله صلی الله علیه و آله آورد و همه خوردند و به مقداد و خانواده مقداد نیز اطعام کرد و برای فاطمه علیها السلام و حسنین علیهم السلام نیز آورد و کفایتشان کرد. وقتی به منزل رسیدند، حضرت فرمود: بشارت بده و صبر پیشه کن ای فاطمه علیها السلام که جز با صبر بدانچه پیش خداست، نمی رسی. پس جبرئیل سوره «هل اتی» را آورد.^{۵۵}

نقد و بررسی روایت

الف. بررسی سند روایت: این روایت مرسل و بدون سند ذکر شده است.
ب. بررسی متن روایت: در این روایت نیز، اضطراب وجود دارد و آن، جریان درخت خرمای مقداد است که در روایات قبلی طعام آسمانی و سوره «هل اتی» ذکر شده بود.

نقل چهارم

اربلی نیز از *المناقب* خوارزمی، از ابن عباس روایتی را آورده است که ثعلبی و دیگر مفسران قرآن در مورد آیه *(يُؤْتُونَ بِالْغَدْرِ)* متذکر آن شده اند. او می گوید: حسنین مریض شدند و پیامبر صلی الله علیه و آله با ابوبکر و عمر به عیادتشان رفتند و گفتند: ای ابوالحسن، چه خوب است که بر دو فرزند خود نذری نمایی و ... علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضه نذر کردند که اگر حسنین بهبود یابند، سه روز روزه بگیرند. حسنین علیهم السلام شفا یافتند، در حالی که پیش آل محمد صلی الله علیه و آله چیزی برای خوردن نبود. امیر المومنین علیه السلام پیش شمعون خیبری - که یهودی بود - رفت و سه صاع جو از او به قرض گرفت.

و در حدیث مزنی از ابن مهران باهلی آمده است که حضرت علی علیه السلام پیش یکی از همسایگانش - که پشم ریزی می کرد و شمعون بن حانا نام داشت - رفت و گفت: آیا برای تو ممکن است که جزه ای (آن مقدار از پشم گوسفند که در سال بریده شود) از پشم بدهی تا دختر محمد صلی الله علیه و آله در مقابل سه صاع از جو بریسد؟ گفت: آری. پس پشمی به حضرت داد و ایشان پشم و جو را به منزل آورد و به فاطمه علیها السلام خبر داد و او اطاعت کرد... (بقیه داستان عین همان است که در *الأمالی* طوسی آمده است).

ابن مهران باهلی در ادامه حدیث می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی داخل منزل فاطمه علیها السلام شد، و وضع آنها را دید، گریست و گفت شما سه روز بدین وضع بوده اید و من از شما غافل بوده ام؟ پس جبرئیل این آیات را نازل کرد: *(إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ نَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا)*. خطیب در این قضیه روایتی دیگر آورده و

۵۵. الخرائج والجرانح، ج ۲، ص ۵۳۹ - ۵۴۰؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۴۲ - ۲۴۴.

گفته که در مورد ایشان، آیه «وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ يَمْسِكُنَا وَيَتَيَّمُوا وَيَسِيرُوا...» نازل شد. و این سوره به اجماع امت در این قضیه نازل شده است و کسی با آن مخالفت نکرده است.^{۵۶}

نقد و بررسی روایت

الف. روایت به صورت مرسل نقل شده است.

ب. نقد متن روایت

۱. اضطراب در متن این روایت نیز وجود دارد؛ چرا که آورده است که پیامبر ﷺ، ابوبکر و عمر به علی ﷺ گفتند که خوب است نذر کنی؛ در حالی که در برخی از روایات قبلی به پیامبر ﷺ و در برخی به عمر نسبت داده شده است.

۲. در این روایت، نذر و روزه حسنین مطرح نشده است.

۳. در این روایت نیز علی ﷺ از شمعون خیبری قرض می‌گیرد که نقد آن گذشت.

زمخسری و طبرسی مشابه این روایت را آورده‌اند که در آن به نذر علی ﷺ، فاطمه ﷺ و فضه و قرض علی ﷺ از شمعون خیبری و اتفاق اتفاق در سه روز متوالی اشاره شده است^{۵۷} که مرسل نقل شده و نقل آن گذشت.

نقل پنجم

ابن طاووس نیز در این خصوص می‌گوید:

از جمله روایاتی که دربارهٔ صدقه مولا یمان علی ﷺ و فاطمه ﷺ در شب ۲۵ ذی‌حجه بر مسکین، یتیم و اسیر ذکر می‌کنیم، روایتی است که جذم ابوجعفر طوسی در کتاب المصباح متذکر آن شده است؛ هرچند این روایت را به طریق متعدد ذکر کرده‌ایم.

شیخ طوسی می‌گوید: در شب ۲۵ ذی‌حجه امیرالمؤمنین ﷺ و فاطمه ﷺ صدقه دادند و در روز ۲۵ همان ماه سوره «هل اتی» در مورد آن دو بزرگوار و حسنین ﷺ نازل شد.^{۵۸} ایشان در تبیین داستان می‌گویند:

وقتی حسنین مریض شدند، پیامبر ﷺ به همراه ابوبکر، عمر و عامهٔ عرب عیادتشان کردند و حضرت رسول خدا ﷺ پیشنهاد نذر برای شفای حسنین ﷺ داد و علی ﷺ گفت: اگر فرزندانم شفا یابند، سه روز، روزه شکر به درگاه الهی می‌گیرم. حضرت فاطمه ﷺ و کنیزشان فضه نیز چنان نذری کردند و حسنین شفا یافتند، ولی در منزل آل محمد ﷺ طعام اندکی نیز نبود، پس علی ﷺ پیش شمعون بن حاربا خیبری رفت و از ایشان سه صاع جو قرض گرفت.

سید بن طاووس در توضیح می‌گوید:

۵۶. كشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۰۷ - ۳۱۰؛ المثاقب، ص ۲۶۹ - ۲۷۷.

۵۷. الكشاف، ج ۶، ص ۲۷۸ - ۲۷۹؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۶۱۲.

۵۸. مصباح المنهج، ص ۷۴۷.

در بعضی از اسانیدم آمده است که صدقه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام بر مسکین و یتیم و اسیر در سه شب اتفاق افتاده است. پس ممکن است که اولین شب از آن سه شب، شب ۲۵ ذی حجه بوده باشد.

از روایات در این مورد است که گفت: علی علیه السلام به نزد یکی از همسایگانش که شمعون بن حاریا نام داشت و پشم ریسی می کرد، رفت و گفت: آیا ممکن است که مقداری پشم بدهی تا دختر پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل سه صاع جو برای تو برسد؟ گفت: آری... (مثل روایات پیشین). حضرت فاطمه علیها السلام پنج قرص نان پخت که برای هر کدام یک نان برسد. علی علیه السلام نماز را با پیامبر صلی الله علیه و آله خواند... مسکینی آمد و درخواست غذا کرد. علی علیه السلام دستور داد که غذا را بدهند. همگی اطاعت کردند. روز و شبشان را بدون غذا سپری کردند و تنها آب خوردند. در روز دوم، فاطمه علیها السلام صاع دوم را آورد و نان کرد... این بار یتیمی آمد و گفت: سلام بر شما اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله! من یتیمی از اولاد مهاجرین هستم که پدرم در روز عقیقه شهید شد. مرا طعام دهید که خدا شما را از غذاهای بهشت اطعام کند. علی علیه السلام دستور داد نان را ببخشند. دو روز و شب را سپری کردند و جز آب چیزی نخوردند. در روز سوم نیز فاطمه علیها السلام صاع سوم را نان کرد و این بار اسیر آمد و علی علیه السلام دستور داد که نان را اعطاء کنند و سه روز و شب را جز آب چیزی نخشیدند.

روز چهارم، علی علیه السلام با حسنین پیش پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند که همانند جوجه از شدت گرسنگی بر خود می لرزیدند. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را دید، فرمود: یا ابالحسن، چه چیز سختی بر شما می بینم؟ سپس با هم به منزل فاطمه علیها السلام رفتند؛ درحالی که ایشان در محراب بود و از شدت گرسنگی شکمش به پشت چسبیده بود و چشمانش به گودی افتاده بود. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را دید، فرمود: واغوثاه یا الله! اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله از گرسنگی می میرند. پس جبریل علیه السلام آمد و «هَلْ آتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ... إِنَّا نَطْعُمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا تَرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» تا آخر سوره را آورد.

ابن طاووس در ادامه می گوید که محمد بن غزالی، علاوه بر آنچه ثعلبی ذکر کرده، آورده است: بر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله مائده‌ای از آسمان نازل شد و سه روز آن را خوردند. و بعد می گوید که نزول مائده را موفق احمد مکی خوارزمی نیز در *المناقب*^{۵۹} روایت کرده است.

زمخشری نیز متذکر نزول مائده شده است؛ ولی آن را در وقتی که ما متذکر شدیم، نگفته است.^{۶۰} ابن طاووس در ادامه می گوید که حدیث نزول این آیات از سوره «هل اتی» را علی بن احمد واحدی نیشابوری در *اسباب النزول*^{۶۱} آورده و دیگران نیز متذکر آن شده‌اند.^{۶۲}

نقد و بررسی روایت

الف. نقد سند: هر چند ابن طاووس گفته که به طرق متعدد نقل می کنیم، ولی برای روایاتش سند ارائه نکرده و لذا مرسل است.

۵۹. *المناقب* (خوارزمی)، ج ۱، ص ۳۵۸.

۶۰. *الکشاف*، ج ۱، ص ۳۵۸.

۶۱. *اسباب النزول*، ص ۳۳۱.

۶۲. *المناقب* (ابن مغازلی)، ص ۲۷۲؛ *شواهد التنزیل*، ج ۱، ص ۳۰۳؛ *کفایة الطالب*، ص ۲۰۱؛ *ینابیع المودة*، ص ۹۳؛ *بحار الانوار*، ج ۳،

ص ۲۴۸ - ۲۵۵؛ *الاقبال*، ج ۲، ص ۳۷۴ - ۳۷۷.

ب. نقد متن روایت: این روایت نیز شایهت زیادی به روایت صدوق دارد که برخی موارد را در بررسی آن روایت بیان داشتیم و حال چند مورد را نیز به نقد می‌کشیم:

۱. در روایت آورده که در شب ۲۵ ذی حجه، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام صدقه دادند و در روز ۲۵ همان ماه سوره «هل اتی» در مورد آن دو بزرگوار و حسنین نازل شده. این نقل دلالت می‌کند که صدقه در یک شب واقع شده است؛ هر چند سید بن طاووس در ادامه گفته که بنابر بعضی اسانیدم، صدقه اهل بیت در سه شب واقع شده که ممکن است که اولین شب از آن سه شب، شب ۲۵ ذی حجه باشد؛ ولی نازل شدن سوره، قبل از اكمال عمل با اعطای شب سوم، منطقی به نظر نمی‌رسد.

۲. در این روایت نیز پیشنهاد نذر از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله انجام گرفته که متفاوت با برخی روایات پیشین است و لذا اضطراب در روایت وجود دارد.

۳. در این روایت، نذر حسنین علیهم السلام عنوان نشده است.

۴. قرض گرفتن علی علیه السلام از شمعون بن حاربا خیبری مطرح است؛ هرچند اشاره دارد که در روایات دیگر پشم‌ریسی در مقابل جو مطرح شده است.

۵. در این روایت آمده است که فاطمه علیها السلام پنج قرص نان تهیه کرد. حال، معقول این است که با آمدن فقیر، یک یا چند قرص نان به او بدهند؛ نه این‌که همه غذا را بدهند و فرزندانش و همسر را - که واجب‌التفقه هستند - گرسنه نگه دارند.

۶. در روایت آمده است که علی علیه السلام در هر سه نوبت، دستور داد که غذا را به سائلان بدهند؛ درحالی که علی علیه السلام اختیار غذای خود را دارد، نه بچه‌های چهار یا پنج ساله را.

۷. وظیفه رئیس خانواده است که ابتدا غذای خانواده خود را تأمین کند؛ نه این‌که سه روز جز آب نخورند.

نقل ششم

بار دیگر، فرات بن ابراهیم کوفی، از محمد بن ابراهیم بن زکریا غطفانی، از ابوالحسن هشام بن احمد بن معاویه در مصر، از محمد بن بحر از روح بن عبدالله، از جعفر بن محمد علیه السلام، از پدرش، از جدش نقل می‌کند که حسنین مریض شدند... (مثل نقل قبلی، علی علیه السلام فاطمه علیها السلام و فضه نذر کردند، ولی پیشنهاد نذر را عمر مطرح کرد) و علی علیه السلام از شمعون بن حاربا پشم و جو می‌گیرد تا دختر پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بپزد... (بقیه داستان مثل قول صدوق در *الأمالی* است که اتفاق در سه روز به همراه مشاعره علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام اتفاق افتاده است).

ایشان در ادامه می‌گویند: علی علیه السلام دوباره به بیرون رفت و از اباجبله، دیناری قرض گرفت و در مسیر، آن را به مقدار داد؛ زیرا او را سزاوارتر به آن دانست و لذا گرسنه به منزل آمد و پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن حالت آنها، دعایی کرد و غذای بهیستی عطا شد.^{۶۳}

۶۳ تفسیر فرات الکوفی، ص ۵۱۹ - ۵۲۶

نقد و بررسی روایت

الف. نقد سندی: در سند این روایت، ابوالحسن هشام بن احمد و روح بن عبدالله مجهول اند و محمد بن بحر نیز غالی است. او قایل به تفویض بوده است.^{۶۴}

ب. نقد متن روایت: در این روایت، عطای غذای بهشتی، پس از انفاق علی علیه السلام به مقداد مطرح شده است که با روایات پیشین همخوانی ندارد، لذا ممکن است، این انفاق داستانی دیگر باشد که با این روایت درآمیخته است.

بقاعی نیز آیات اول سوره انسان را در مورد امام علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام و فاطمه علیها السلام دانسته که سه روز، یتیم و اسیر و مسکین را بر خود مقدم داشتند و در روز چهارم، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دید، اندوهگین شد و جبریل این سوره را برای تهنیت ایشان نازل کرد.

ایشان در رفع استبعاد آن می گویند که صبر برگرسنگی بدین مدت بعید نیست؛ چرا که چه بسا هیبتی قوی از استعراق در محبت خدای متعال یا چیز دیگر داشته باشد که بدن را مشغول خود سازد تا گرسنگی حاصل نشود؛ مثل آنچه انسان در مرض حاد، مدتی بدون خوردن چیزی باقی می ماند و بدنش چندان متأثر نمی شود. و چیز تازه ای نیست این که افعال طبیعی در حق بعضی از سالکان متوقف شود و این، یکی از اقوالی است که در مورد فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله که فرمود: «إني أبيت عند ربّي يطعمني ويسقيني؛ من پیش پروردگارم مسکن می گزینم که او غذا و آب مرا می دهد»، گفته شده است.^{۶۵}

دیگران نیز متذکر این شده اند که آیات سوره «هل ائی» در مورد علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام نازل شده که برای شفای حسنین نذر کرده بودند و در سه شب متوالی، غذایشان را به مسکین و یتیم و اسیر بخشیدند و جز با آب افطار نکردند.^{۶۶}

نقد و بررسی

آنچه بقاعی، ایچی و دیگران ذکر کرده اند نیز بدون سند است و نقد متن آن هم قبلاً ذکر شد. طبرسی در *جوامع الجامع* هر دو گونه روایات (علی بن ابراهیم و صدوق) را آورده است.^{۶۷}

نقل هشتم

فخر رازی نیز می گوید:

از بزرگان معتزله افرادی مثل ابی بکر اصم، ابی علی جبایی، ابی القاسم کعبی و ابو مسلم اصفهانی و قاضی عبدالجبار بن احمد در تفاسیرشان ذکر کرده اند که این آیات در حق علی علیه السلام نازل شده است؛ ولی واحدی، از اصحاب ما در کتاب *السیط* گفته است که آن در حق علی علیه السلام نازل شده است و صاحب *الکشاف*، از معتزله این قصه را از ابن عباس نقل کرده است.

۶۴ رجال الطوسی، ص ۴۴۷؛ فهرست الطوسی، ص ۲۰۸.

۶۵ نظم الدرر، ج ۸، ص ۲۶۸.

۶۶ جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ۴۱۹ - ۴۲۰؛ التفسیر الواضح، ج ۳، ص ۷۹۶.

۶۷ جوامع الجامع، ج ۴، ص ۴۰۹.

فخر رازی، مطالبی را از زمخشری نقل می‌کند که قبلاً از خود/الکشاف نقل شده و در آن به مریضی حسنین علیهما السلام نذر علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و فضه و قرص علی علیهما السلام از شمعون خیبری یهودی و اطعام در سه روز متوالی اشاره شده است. فخر رازی در ادامه می‌گوید:

دیگران می‌گویند: ابرار، جمع است و جمیع شاکران و ابرار را شامل می‌شود و نمی‌توان آن را به شخص واحد تخصیص زد؛ هرچند علی علیه السلام نیز داخل در جمیع آیات دال بر شرح احوال مطیعان است و دیگر صحابه و تابعان متقی نیز داخل در آن هستند. و جایی برای تخصیص نمی‌ماند؛ مگر این که سوره در پی صدور طاعت مخصوصی از جانب آنها نازل شده باشد؛ ولی در اصول فقه ثابت شده است که عبرت به عموم لفظاً است؛ نه به خصوص سبب.^{۶۸}

نقد مطالب فخر رازی

۱. درست است که «ابرار» جمع است و شامل همه مؤمنان می‌شود که تا قیامت چنین می‌کنند؛ ولی اهل بیت علیهم السلام از مصادیق بارز آن هستند و منقولات و روایات عامه و خاصه مؤید آن است که پس از صدقه ایشان، این آیات نازل شد.
۲. علی علیه السلام زهر علیه السلام و فضه را می‌توان با لفظ «ابرار» به صورت جمع عنوان کرد.
۳. در این که فخر رازی گفته است: «جایی برای تخصیص نمی‌ماند؛ مگر این که سوره در پی صدور طاعت مخصوصی از جانب اهل بیت علیهم السلام نازل شده باشد»، می‌گوییم: بله، آیه در پی طاعت مخصوصی نازل شده است و روایات عامه و خاصه مؤید کلیت قضیه است؛ هرچند اختلافاتی در کم و کیف آن دارند.

نقل نهم

قرطبی نیز در این آیه ایراد کرده می‌گوید:

اهل تفسیر می‌گویند که این آیه در خصوص علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام و فضه نازل شده است؛ ولی سخن صحیح، آن است که آن، در مورد همه نیکوکاران نازل شده است و عام است. نقاش، ثعلبی، قشیری و کثیری از مفسران در قصه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضه سخن گفته‌اند که صحیح و ثابت نیست.

ایشان در نقد داستان منقول می‌گوید:

۱. خداوند، نفقه اهل و اولاد را واجب دانسته و شخص عاقل چنین نمی‌پندارد که علی علیه السلام بدین امر نادان بوده است که بچه‌های چهار و پنج ساله را سه شب و روز گرسنه نگه داشته باشد؛ بدان حدی که بدنشان به لرزه بیافتد و چشم‌هایشان گود شود و پیامبر صلی الله علیه و آله به حالشان بگرید.
۲. چه کسی این اشعار را از علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام حفظ کرده است تا به دست این روایت رسیده است.^{۶۹}

۶۸ التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۷۴۶ - ۷۴۷.

۶۹ الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۹، ص ۱۳۰ - ۱۳۲.

نقد و بررسی دیدگاه قرطبی

کلیت سخن قرطبی را می‌پذیریم، ولی خوانندگان را به مطالب زیر توجه می‌دهیم:

۱. بدان صورتی که اکثریت نقل کرده‌اند که سه روز متوالی اهل بیت علیهم‌السلام چیزی نخوردند، معقول به نظر نمی‌رسد و سخن قرطبی صحیح است؛ ولی باید بدین مطلب توجه داشت که اصل قضیه، آن است که علی بن ابراهیم در تفسیر خود، آن را در چند خط بیان داشته که در آن به اطعام مسکین، یتیم و اسیر اشاره شده است و به احتمال زیاد، در یک شب بوده و انفاقشان نیز از حلوایی بوده که حضرت فاطمه علیها‌السلام درست کرده بوده است؛ بدین گونه که اهل بیت علیهم‌السلام بهترین غذایشان را انفاق کردند و خود با چیزهای دیگر افطار کردند؛ نه این که تنها با آب افطار کرده باشند.

پس بدان صورتی که بیان شد و علی بن ابراهیم به صورت مسند و صحیح نقل کرده است، هیچ استبعادی به نظر نمی‌رسد. آری، استبعاد در آن چیزهایی است که قصه‌گویان و راویان و زبان حال‌گویان بدان افزوده‌اند و به گمان خود گفته‌اند که هر چقدر عجیب‌تر باشد، کرامت اهل بیت علیهم‌السلام بیشتر مبین می‌شود؛ و حال آن که این عجیب‌گویی‌ها مورد وهن نیز می‌شود.

ما نیز نمی‌پذیریم که علی علیه‌السلام بچه‌های چهار یا پنج ساله (نه پنج یا شش) را سه روز گرسنه نگه داشته باشد.

۲. اشعار نیز ظاهراً از خود علی علیه‌السلام و حضرت زهرا علیها‌السلام نیست، بلکه آیندگان به عنوان زبان حال متذکر آن شده‌اند؛ چرا که نه تنها حفظ آن بعید است، منتظر گذاشتن سائل و به مشاعره پرداختن، به هیچ وجه منطقی به نظر نمی‌رسد.

نتیجه

از مباحث مطرح شده چنین استفاده می‌شود که برخی از آیات قرآن در شأن اهل بیت علیهم‌السلام نازل شده است؛ هرچند قابل تعمیم به دیگر مؤمنان نیز است که اگر چنان وضعی را کسب کنند، مخاطب آیات باشند. از جمله آیاتی که در شأن نزول آن، داستان‌هایی از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده است، آیات اول سوره انسان است که صاحبان اسباب نزول و کتب تفسیری بحث‌هایی در این خصوص بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از:

الف. غالب صاحب نظران سوره انسان را مدنی می‌دانند بدان جهت که در مکه، اسیری وجود نداشته و تاریخ‌نگاران سوره، این سوره را جزء سوره مدنی ذکر کرده‌اند و سخنانی غیر از این، مستند نیست و حاکی از تعصب است.

ب. اصل داستان را علی بن ابراهیم در تفسیر بیان داشته که حضرت زهرا علیها‌السلام حلوایی درست کرد و به هنگام غذا، در سه نوبت پی در پی، در یک شب آن را به مسکین و یتیم و اسیر انفاق کردند. در این روایت آمده است که خود اهل بیت علیهم‌السلام از آن حلوا نخوردند؛ نه این که هیچ غذایی نخوردند. سند این روایت صحیح و به طور مسند نقل شده است.

ج. برخی دیگر از روایات، مطالبی را بر اصل داستان افزوده‌اند که علاوه بر مرسل، ضعیف و مجهول بودن این روایات، مطالبی در آنها عنوان شده است که معقول به نظر نمی‌رسد، مثل: ۱. نذر و روزه

حسین علیه السلام در حالی که بیش از چهار یا پنج سال نداشته‌اند؛ ۲. دستور علی علیه السلام به خانواده‌اش برای انفاق؛ ۳. عدم تأمین غذای اهل بیت از جانب علی علیه السلام؛ ۴. مشاعره علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و به انتظار گذاشتن سائلان. ۵. قرض گرفتن علی علیه السلام از یهودی با وجود این که یهودیان در خارج مدینه بودند و مناعت طبع حضرت علی علیه السلام نیز اجازه چنین کاری به او نمی‌دهد؛ ۶. اضطراب بین برخی قسمت‌های روایت، مثل پیشنهاد پیامبر صلی الله علیه و آله برای نذر یا پیشنهاد عمر؛ ۷. اضطراب در این که گاهی مائده آسمانی بر اهل بیت علیهم السلام نازل شده است و در برخی دیگر با درخواست پیامبر صلی الله علیه و آله، درخت خرما می‌مقداد ثمر داده است.

کتابنامه

- مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، تحقیق: یوسف بقاعی، بیروت: دارالاضواء، دوم، ۱۴۱۲ق.
- فلاح السائل، ابن طاووس، تحقیق: جواد قیومی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، دوم، ۱۴۱۹ق.
- تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
- كشف القمه فی معرفة الأئمة، ابی‌الحسن علی بن عیسی ابن ابی‌الفتح اربلی، بیروت: دارالاضواء، دوم، ۱۴۰۵ق.
- جامع بیان فی تفسیر القرآن، محمد بن عبدالرحمن ایجی شیرازی شافعی، تحقیق: هندآوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۴ق.
- نظم الدرر، ابی‌الحسن ابراهیم بن عمر بقاعی، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق.
- التفسیر الواضح، محمد محمود حجازی، قاهره: دارالتفسیر للطبع و النشر، دهم، ۱۴۱۲ق.
- شواهد التنزیل، عبیدالله بن عبدالله بن احمد حاکم حسکانی، تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۱ق.
- خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، ابومنصور حسن بن یوسف بن مطهر اسدی حلی، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر القاهه، اول، ۱۴۱۷ق.
- المناقب، محمد بکری مکی حنفی خوارزمی، ترجمه و شرح: سید ابوالحسن حقیقی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دوم، ۱۳۷۵ش.
- معجم رجال الحدیث، سید ابوالقاسم خویی، قم: انتشارات آیه‌الله خویی، بی تا.
- الجرح و التعديل، ابن ابی حاتم ابی محمد عبدالرحمن محمد بن ادريس تمیمی حنظلی رازی، تصحیح: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۲۲ق.
- الخرائج و الجرائح، ابوالحسین سعید بن هبة الله راوندی، قم: المطبعة العلمیه، اول، ۱۴۰۹ق.
- الکشاف، جارالله ابی‌القاسم محمود بن عمر زمخسری، تحقیق: علی محمد معوض و ...، ریاض: مکتبه العبکیان، اول، ۱۴۱۸ق.

- تفسیر السمرقندی (بخر العلوم)، نصر بن محمد بن احمد سمرقندی، تحقیق: عمروی، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۶ق.
- الاتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، ترجمه: سید مهدی حائری قزوینی، تهران: انتشارات امیرکبیر، اول، ۱۳۶۳ش.
- الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن ترکی، بی جا، مرکز هجر للبحوث و الدراسات العربیة و الاسلامیة، اول، ۱۴۲۴ق.
- الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- تفسیر القرآن الکریم، عبدالله شبر، مقدمه: دکتر حفنی داود، قم: دارالهجرة، دوم، ۱۴۱۲ق.
- الأمالی، محمد بن علی صدوق، قم: مؤسسه بعثت، اول، ۱۴۱۷ق.
- تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، اول، ۱۳۶۳ش، ج ۲.
- جوامع الجامع، فضل بن حسن طبرسی، قم: انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۷۸ش.
- مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تصحیح: رسولی محلاتی و...، بیروت: دارالمعرفة، دوم، ۱۴۰۷ق.
- التیان، محمد بن حسن طوسی، تهران: مطبعة الاسلامیة، ۱۳۶۵ق.
- الرجال، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، اول، ۱۴۱۵ق.
- الفهرست، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم: نشر الفقاهة، دوم، ۱۴۲۲ق.
- فلاح السائل، علی بن موسی بن جعفر سید بن طاووس، تحقیق: مجیدی، قم: دفتر تبلیغات، ۱۴۱۹ق.
- التفسیر الکبیر، محمد فخر رازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۱۷ق.
- تفسیر الثرات الکوئی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق: محمد کاظم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۴۱۰ق.
- الجامع لاحکام القرآن، ابی عبدالله محمد بن احمد انصاری قرطبی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- اصول الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تصحیح: محمد جعفر شمس الدین، بیروت: دارالتعارف، ۱۴۱۱ق.
- تنقیح المقال، عبدالله مامقانی، نجف: مکتبة المرتضویة، ۱۳۵۰ق.
- بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵.
- آموزش علوم قرآن، محمدهادی معرفت، ترجمه: ابومحمد وکیلی، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ۱۳۷۱ش.
- علوم قرآنی، محمدهادی معرفت، قم: انتشارات التمهید، اول، ۱۳۷۸ش.
- رجال النجاشی، ابی العباس احمد بن علی نجاشی، تحقیق: محمدجواد نائینی، بیروت: دارالاضواء، اول، ۱۴۰۸ق.

- اسباب النزول، علی بن احمد واحدی نیشابوری، تحقیق: ایمن صالح شعبان، قاهره: دارالحدیث، چهارم،

۱۴۱۹ق.

- الوسیط فی تفسیر القرآن المجید، علی بن احمد واحدی نیشابوری، تحقیق: علی محمد معوض و ...،

بیروت: دارالکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق.

علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره سوم و چهارم